

## کاهش قیمت نفت، بن بست که رژیم با آن روبروست

۱۶ مارس اجلاس فوق العاده اوپک تشکیل شد. در روز بعد وزرای نفت مکزیک، مصر، مالزی، آنگولا و عمان نیز به ۱۳ وزیر نفت کشورهای عضو اوپک پیوستند. شرکت کنندگان در اجلاس فوق العاده اوپک پس از مذاکرات طولانی به این نتیجه رسیدند که تولید نفت را ۲۵ درصد کاهش دهند و برای هر یک از ۱۸ کشور صادرکننده نفت سهمیه تولید تعیین کنند. با وجود اختلاف نظر میان شرکت کنندگان در اجلاس، این تفهیم در صورت اجرا گامی است در جهت حفظ وحدت اوپک. زیرا در شرایط کنونی که "جنگ قیمت ها" به کشورهای رشد یافته صادرکنندگان نفت تحمیل شده، تزلزل در صفوف این کشورها به سود امپریالیسم است.

تضعیف " اوپک " و از هم پاشیدن آن یکی از هدف های

مبتکر اصلی بحران انرژی در سال های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ که بقیه در ص ۲



شماره ۹۶ دوره هشتم  
سال دوم ۱۴ فروردین ۱۳۶۵  
بها ۲۰ ریال

پیرامون برخی مسایل سمستگیری  
سوسیالیستی  
در ص ۴

به مناسبت  
روز جهانی زن  
آفریننده  
سیاوش کسرایی ص ۳

«راه کارگر، در میدان  
توده ای ستیزی»

«راه کارگر» برافروخته تر و خشمگین تر از همیشه به "نام مردم" پاسخ داده است. پاسخی تهنی از هرگونه بُرایی در منطق و استدلال در اصول. پاسخ "راه کارگر" دقیقاً روایت کمر سردرگمی سیاسی - ایدئولوژیک، ماجراجویی و کاسیکاری در سیاست و پریشان پردازی ضدتوده ای است.

"راه کارگر" که خود را مدافع دو آتش و سینه چاک "سوسیالیسم و دمکراسی" معرفی می کند، برای پیشبرد "مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم"، شرکت در کارزار توده ای ستیزی پرهیاهویی که امپریالیسم و ارتجاع علیه حزب ما به راه انداخته اند را "وظیفه" مبهم هر کمونیست" می داند. "راه کارگر" همچنین در برابر به اصطلاح اتهام "نام مردم" مبنی برچندی از کارزار ضدتوده ای کناربودن، خروش برمی دارد که "این تهمت نارواست زیرا راه کارگر از آتشی که حزب توده ایران بر سوسیالیسم و دمکراسی زد، بیش از آن گرفته و عصبانی بوده است که لحظه ای از مبارزه با خیانت های این حزب برکنار بماند، و ادبیات راه کارگر حتی در یکسال گذشته مقایسه آن با ادبیات دیگر سازمان های انقلابی اثبات می کند که راه کارگر بیش از همه آنان در میدان این مبارزه بوده است" (نشریه "راه کارگر" شماره ۲۳).

ابتدا باید خاطرنشان سازیم، میدان مبارزه توده ای ستیزی، میدانی است فراخ و طیف بقیه در ص ۶

## شادباش حزب توده ایران به کنگره سیزدهم حزب کمونیست بلغارستان

رفقای عزیز برگزاری سیزدهمین کنگره حزب شما را، به شما و تمام مردم ترقیخواه و صلحدوست کشورتان صمیمانه شادباش می گوئیم. طبقه کارگر و سایر مردم ترقیخواه بلغارستان به رهبری حزب پرافتخار شما، در یک مبارزه طولانی موفق به واژگون ساختن سیستم ارتجاعی گذشته شد و به ساختمان یک جامعه سوسیالیستی دست زد که در آن اثری از استثمار انسان از انسان، ستم ملی و طبقاتی و سایر مظاهر نکبت بار جامعه سرمایه داری نیست. راه دستیابی به سوسیالیسم راهی بود طولانی و توأم با مشکلات گوناگون، ولی حزب شما، با اتکاء به جهان بینی بقیه در ص ۵

## کارگران در چنگال فقر و محرومیت

بیشترین آسیب بحران اقتصادی حاکم بر جامعه ما متوجه طبقه کارگرایران است. زندگی میلیون ها کارگر زحمتکش وطن ما بطور روزافزونی به وخامت می گراید. انبوهی از مشکلات اقتصادی بر کرده کارگران محروم سنگینی می کند. اگر بتوان از لحاظ اهمیت برای این مشکلات ترتیبی قایل شد، بی شک بیکاری از مهمترین آنها است. در شرایط حاضر خطر بیکاری و اخراج از محیط های کار که پدیده ذاتی نظام های منحوس سرمایه داری است بر اثر جنگ خانسانسوز، تشدید شده است. تعطیل شدن و با حداقل ظرفیت کارکردن اکثر واحدهای تولیدی در نتیجه کمبود مواد اولیه و قطعات یدکی که پیامد مستقیم بحران ارزی ناشی از جنگ است، بیکاری را به آفت زندگی زحمتکشان بدل ساخته است. طبق آمارهای موجود ۲۰٪ نیروی فعال کشور بقیه در ص ۷

## مراعات اصل پنهانکاری، شرط ضرور مبارزه

تشدید مخالفت توده های خلق و رویگردانی هرچه بیشتر آنها از رژیم که بازتاب آن را حتی در مطبوعات مجاز می توان دید، وظایف مهمی را در برابر اعضا و هواداران حزب قرار می دهد که گسترش دامنه فعالیت هسته های حزبی و سازمان دادن هسته های جدید از جمله این وظایف است. هنوز تعداد رفقای که در هسته ها متشکل نشده اند و به طور انفرادی عمل می کنند، اندک نیستند. تردیدی نیست که در صورت تشکل این رفقا در هسته های حزبی ثمربخشی کار دو چندان خواهد شد.

افزایش هرچه بیشتر تعداد هسته های حزبی در هر شهر به گسترش امکانات حزب برای نفوذ در میان توده ها و رهبری مبارزه زحمتکشان و راهنمایی آنان، کمک ارزنده ای می کند.

در نامه هایی که به دست ما می رسد، بعضا سؤال می شود: آیا می توان در شرایط کار مخفی اعضا جدیدی را به حزب پذیرفت؟ پاسخ مثبت است. حزب هم در شرایط علنی و هم در شرایط مخفی باید رشد کند. اما هم انتخاب اعضا هسته های حزبی و هم پذیرش اعضا جدید باید سنجیده و حساب شده باشد. باید با احساس مسئولیت و با مطالعه دقیق و همه جانبه و مراعات اکید اصول پنهانکاری که تا کنون "نام مردم" جوانب گوناگون آن را مورد بررسی قرار داده، به این امر مهم پرداخت. چنان که در اسناد و مدارک کمیته مرکزی حزب خاطرنشان شده، در جریان گسترش فعالیت حزبی توجه عمده به کیفیت است نه کمیت. به بیان دیگر رشد تعداد هسته های حزبی و وگزینش افراد شرکت کننده در آنها نباید به کاهش کیفیت انقلابی آنها منجر گردد. در حال حاضر، باید به جلب هرچه بیشتر کارگران به هسته ها اهمیت داد. تشکیل هسته های حزبی، بویژه در بقیه در ص ۳

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## کاهش قیمت نفت ...

منجر به سیر صعودی سریع قیمت نفت در جهان شد، انحصارهای نفتی بودند. اینک که از همه امکانات افزایش مستمر بهاء نفت بهره برداری شده، هم آنها می کوشند تا این بار از کاهش بهاء نفت در جهت از هم پاشیدن "اوپک" استفاده کنند. نباید از نظر داشت که انحصارهای نفتی در عین حال از سرمایه گذاران عمده در دیگر رشته های صنعتی و از آن جمله "زمره سرمایه گذاران صنعتی- نظامی هستند.

افزایش بهاء نفت موجب آن شد که انحصارها استفاده از تکنولوژی با مصرف کم انرژی را تسریع بخشند و در عین حال گاز و زغال سنگ را جایگزین نفت به عنوان سوخت کنند. از سوی دیگر افزایش قیمت نفت به موقع خود به انحصارها امکان آن را داد تا به بهره برداری از منابع نفت آلاسکا و دریای شمال و غیره که هزینه تولید در آنها بر مراتب بیشتر از هزینه تولید در منطقه خلیج فارس بود، دست یابند.

همه این عوامل موجب آن شد که عرصه نفت در بازار جهانی بر تقاضا پیشی گیرد. اوپک برای مقابله با این روند که تنزل قیمت نفت را در پی داشت، مجبور شد تولید نفت خام را کاهش دهد و بدینسان تولید نفت در کشورهای عضو اوپک از سال ۱۹۷۸ تاکنون به نصف رسید. این تصمیم اوپک که هدف از آن ایجاد ثبات در بازار نفت جهانی بود، با افزایش تولید نفت از جانب انگلستان و نروژ و سرازیر شدن ذخائر استراتژیک نفت ایالات متحده آمریکا ( این ذخائر هم اکنون از ۷۵۰ میلیون بشکه به ۵۰۰ میلیون بشکه تنزل یافته) به بازار نفت از سویی و کارشکنی های برخی از کشورهای اوپک از سوی دیگر، اثربخشی اقدامات کشورهای صادرکننده نفت را در جهت تثبیت قیمت نفت خنثی کرد. سقوط قیمت نفت ادامه یافت. دولت های امپریالیستی برای این روند شیوه خرید تک محموله ای نفت در بندر، تردام را جایگزین انعقاد قراردادهای دراز مدت مستقیم نفت با کشورهای صادرکننده آن کردند. عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای صادرکننده نفت خام نیز به تحقق این سیاست نواستعماری دولت های امپریالیستی که نقش مهمی در کاهش سریع بهاء نفت داشت، کمک کردند.

سران ج.ا. که برای تامین هزینه های سرسام آور جنگ نیاز به ارز هرچه بیشتر داشتند، نقش مخربی در شکستن قیمت ها ایفا کردند. در حالی که قیمت اعلام شده نفت از جانب اوپک ۲۸ دلار برای هر بشکه بود. شرکت ملی نفت ایران برای جلب مشتریان در هر بشکه ۲۵ تا ۵۵ دلار تخفیف قائل می شد که نمی توانست در "جنگ قیمت ها" که امپریالیسم آتش بیار آن بود، موثر نیفتد.

فقط طی چهار ماه اخیر بهاء نفت خام از ۲۸ دلار به ۱۲ دلار در هر بشکه تنزل یافته است. چندی پیش یمنی وزیر نفت عربستان سعودی که شرکت فعال در "جنگ قیمت ها" دارد، طی یک مصاحبه مطبوعاتی احتمال سقوط قیمت نفت تا ۸

دلار در هر بشکه را پیش بینی کرد.

## پیآمدهای مخرب کاهش قیمت نفت

کاهش بهاء نفت خام که منجر به تقلیل محسوس درآمد کشورهای صادرکننده نفت می شود، تاثیر مخربی بر اقتصاد آنها خواهد گذاشت. در واقع کشورهای صادرکننده نفت زیر ضربه سه گانه قرار دارند:

۱- تنزل بهاء نفت از ۲۸ دلار به ۱۲ دلار در هر بشکه، درآمد این کشورها را در مقایسه با سال گذشته بیش از ۶۰٪ کاهش خواهد داد.

۲- این کشورها در نتیجه تنزل ارزش دلار که پایه محاسبه فروش نفت است متضرر خواهند شد. ۳- کشورهای صادرکننده نفت مجبور خواهند شد هزینه اکتشاف و تولید و نیز بودجه عمرانی را پیش از پیش کاهش دهند، که این نیز در آخرین تحلیل به بیکاری صدها هزار کارگر منجر خواهد شد.

طبق محاسبه ای در سال میلادی جاری فقط کشورهای عضو اوپک حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از این طریق از دست خواهند داد. در حالی که "صرفه جویی" کشورهای رشديافته صنعتی سرمایه داری به ۱۵۰ میلیارد دلار بالغ خواهد شد. خصلت تک کالایی یعنی صدور نفت خام به عنوان یگانه درآمد عمده ارز خارجی، از ویژگی های همه کشورهای عضو اوپک است. این امر در جمهوری اسلامی ایران به شکل حادی به چشم می خورد. در واقع نفت، شیشه عمر جمهوری اسلامی است. رژیم در نتیجه سیاست عمیقاً ضدملی اقتصادی و نیز ادامه جنگ، وابستگی به درآمد نفت را بیش از پیش تشدید کرده است. ولی گردانندگان رژیم می کوشند تا با تبلیغات میان تهی این واقعیت را از افکار عمومی پنهان کنند. مثلاً موسوی نخست وزیر ج.ا. به هنگام بحث پیرامون لایحه بودجه سال ۱۹۶۵ در پاسخ به آنانی که رقم مربوط به درآمد نفت مورد نظر لایحه را غیر واقعی می دانستند گفت که گویا بودجه کشور تنها وابسته به درآمد نفت نیست و صادرات غیر نفتی ایران نیز در سال های اخیر روبرو افزایش بوده است. آیا این اظهار نظر نخست وزیر رژیم واقعیت دارد؟ برای پاسخ به این سؤال به ارقام مربوط به نقش صادرات نفت در کل صادرات ایران مراجعه می کنیم.

است. رژیم واردات مواد خام و نیم ساخته و قطعات و لوازم یدکی مورد نیاز صنایع وابسته را کاهش می دهد و این یکی از علل اساسی بیکاری فراگیر در جامعه است.

اظهارات موسوی دایر بر این که گویا رژیم جمهوری اسلامی با هر مقدار ارزی، حتی ۲۰۰ میلیون دلار در سال قادر به اداره کشور است، سفسطه ای بیش نیست. حتی وزیر کابینه موسوی به اجبار اعتراف می کند که "کشورهای تولیدکننده نفت عدتاً دارای مشکلات اقتصادی بوده و اگر نفت خود را نفروشند دچار نابسامانی های اقتصادی شدیدی می شوند."

بازتاب کاهش قیمت نفت در اقتصاد ایران چگونه خواهد بود؟ طبق محاسبات انجام شده، اگر بهاء نفت در سال ۱۹۸۶ میلادی در سطح ۲۰ دلار در هر بشکه تثبیت شود و اگر رژیم قادر شود روزانه ۲ میلیون بشکه نفت خام صادر کند، در این صورت زیان ج.ا. سالانه به ۶ تا ۷ میلیارد دلار بالغ خواهد شد. در چنین شرایطی ایران ۴۰ درصد از قدرت وارداتی خود را در مقایسه با سال های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵، که تازه سطح واردات افت کرده است، از دست می دهد و در نتیجه با کمبود بود مواد خام و قطعات برای صنایع داخلی مواجه می شود. صنایع خودروسازی، فلزی، نساجی و غیره که وابسته به خارج هستند مجبور می شوند با ظرفیتی پائین تر از سال های گذشته کار کنند.

اما با کاهش بهاء نفت تا هر بشکه ۱۲ دلار، ضربه ای که به اقتصاد ایران وارد می شود بسیار عمیق تر است. شکی نیست که اگر "جنگ قیمت ها" با همین روند ادامه یابد و طبق پیش بینی یمنی قیمت نفت به ۸ دلار برسد، رژیم ج.ا. با ورشکستگی کامل مالی روبرو خواهد شد. اکثر کارخانه ها از کار خواهند افتاد و میلیون ها ایرانی با فقر و فلاکت بر مراتب شدیدتری روبرو خواهند شد.

"جنگ قیمت ها" باردیگر، نظر ما را نسبت به وابستگی اقتصادی ایران به بازار جهانی سرمایه داری و اثرات مخرب این وابستگی در زندگی اجتماعی- اقتصادی کشورها را آشکارا به ثبوت رساند. جایگزین کردن صادرات غیر نفتی برای دستیابی به ارز خارجی که موسوی از آن سخن می گوید، آب در هاون کوبیدن است. اولاً، این جایگزینی نیاز به زمان طولانی دارد و اصولاً

سال	ارزش صادرات نفت به میلیون دلار	ارزش کل صادرات ایران به میلیون دلار	سهم نفت در کل صادرات به درصد
۱۹۸۰	۱۲۲۸۸	۱۴۰۸۴	۹۴/۲
۱۹۸۲	۱۹۰۷۴	۱۹۵۰۰	۹۷/۸
۱۹۸۴	۱۴۰۰۰	۱۴۵۵۰	۹۶/۲

چنان که ملاحظه می شود سهم درآمد نفت از ۹۴/۲ درصد کل ارزش صادرات در سال ۱۹۸۰ به ۹۶/۲ درصد در سال ۱۹۸۴ افزایش یافته و در سال ۱۹۸۵ شاید از این هم بیشتر باشد.

کاهش درآمد نفت به تقلیل واردات منجر گردیده، حتی خود موسوی در سخنرانی پیش گفته اعتراف کرد که "امسال به اجبار، مقدار ۲۰ درصد واردات کم شده است". ناگفته پیداست که تقلیل واردات شامل تجهیزات نظامی نبوده

در چارچوب نظام سرمایه داری حاکم بر جامعه بادر نظر گرفتن سطح انقلاب علمی و فنی در جهان تحقق چنین امری غیر ممکن است. ثانیاً، خود این امر نیاز به ارز خارجی دارد که آن هم در شرایط کنونی جز از طریق فروش هرچه بیشتر نفت امکان پذیر نیست.

چنین است پی آمد مخرب "جنگ قیمت ها" بقیه در ص ۲

## مراعات اصل پنهانکاری...

کارگاه های بزرگ صنعتی و انتقال فعالیت حزب به محله های کارگری مهمترین وظیفه اعضا حزب است.

اعضا هسته ها، کسانی می توانند باشند که آگاهانه آماج های حزب را بپذیرند و در راه تحقق آنها فداکارانه مبارزه کنند. بدون تردید، هر رفیقی باید به هنر مبارزه با ارکان های جاسوسی رژیم و کار پنهانی در شرایط ترور و اختناق سیاسی آشنایی داشته باشد.

در نامه های رسیده خاطر نشان می شود که رژیم شروع به ردگیری های جدی برای کشف شبکه های مخفی کرده است. این یک امر طبیعی است. باید همیشه در نظر داشت که با گسترش فعالیت حزب، دشمن نیز فعالیت خرابکارانه خود را تشدید خواهد کرد. وقتی رفقا پلاکارد بزرگی به طول سه متر با شعار "به این جنگ خانمانسوز پایان دهید، مردم صلح می خواهند" در چهار راه کالج روی پل حافظ، یعنی در یکی از شلوغ ترین نقاط شهر نصب می کنند و یا در نقاط دیگر تهران شعارهایی علیه جنگ و دفاع از زندانیان سیاسی می نویسند و به پخش تراکت و تکثیر نشریات حزب می پردازند، خواه ناخواه خشم و نفرت سران رژیم را برمی انگیزند.

در چنین شرایطی، ارکان های جاسوسی رژیم خواهند کوشید تا عناصر خود را به درون هسته های حزبی ما بفرستند. این یکی از مسائل مهمی است که نباید از نظر توده ایهای مبارز دور بماند. چگونه باید با اینگونه اعمال خرابکارانه مبارزه کرد؟

شناسایی دقیق و همه جانبه برای پی بردن به صلاحیت افراد با توجه به خصوصیات اجتماعی و اخلاقی و انسانی و طرز زندگی آنها، اهمیت فوق العاده ای دارد.

باید اعتماد به صلاحیت سیاسی افرادی که این یا آن رفیق را به هسته حزبی دعوت می کنند فقط و فقط تجربه انقلابی خود رفقا، آشنایی به خصوصیات و ویژگی های پیش گفته در مورد شخص دعوت کننده است. هیچ عامل دیگری از جمله دریافت نشریات و غیره نمی تواند در اینگونه موارد ملاک قرار گیرد.

اگر مبارزان توده ای به رهنمودهای مرکزی حزب عمل کنند، میزان خطر احتمالی به مراتب کمتر خواهد شد. در همین جا تذکر یک نکته نیز ضرور است: پربهادادن به ارکان های سرکوبگر همانقدر اشتباه خواهد بود که کم بها دادن به آنها.

کمیته مرکزی حزب شیوه عدم تمرکز در حزب را تصویب کرده است. این بدان معناست که ما در هیچ شهر و روستایی، در هیچ کارخانه و موسسه ای سازمان متمرکز نداریم. سازمان حزبی در کشور مرکب از هسته های پراکنده و فاقد ارتباط تشکیلاتی پایکی دیگر هستند و همه آنها، بدون استثنا و بلاواسطه فقط با مرکز حزب ارتباط دارند. گاهی گفته می شود که این شیوه کار حزبی دارای برخی جوانب منفی است. ما هم

## آفریننده

د یروز

قطره قطره

در شیر مادرم

جاری شد و گذشت

وقتی که بیوه زن

خاموش و صله میزد بر پاره جامه ها

شب با هزار روز

پیوند میگرفت

پاکیزه بود یکسره سیمای زندگی

در رفت و رو با او

خوش میگذشت عمر

- گرچه به سختی -

با طبع سا زگار مادر و با روی خوب او

امروز، روزگار

از زیر دست همسر من میکند عبور

چرخ حیات ما

با دستهای اوست که میگردد

این دستهای اوست که یکریز

انبوه رشته های رنگین را

با نظم بس شگفت بهم در می افکند

"بمناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن"

طرح کبوتران سپیدش

پرواز میکنند

بر طاق هر نگاه

و سفره های ساده ما را

این دست های اوست که می بافتد

با ریشه های مزعه و دود کارگاه

از نقش همچو اوست

این شاخه های خون که گل افکند روی راه

فردا اما

با گام دخترم که به دانش کشیده پای

از پله کان ماه

بر میشود خجسته و خندان به کهکشان

و آن میرسد که هیچ نباشد مرا گمان

ای شهسوار تاخته با اسب ماه و سال

ای زن

تندیس کمال

بر رسته زمینی و پرورده زمان

در کارزار نیک و بسد جان درین جهان

فرمان داد باش

عشق آفرین بمان!

سیاوش کسرائی

بهمن ۱۳۶۴

ویژگی های مشخص هر هسته حزبی نقش مهمی در فعال بودن آن دارد. باید از همه امکانات برای روشنگری، تجهیز و راهنمایی زحمتکشان استفاده کرد. برای این کار باید هر گونه ابتکاری را به کار بست. در این باره بازم سخن خواهیم گفت.

## کاهش قیمت نفت...

برای رژیم ج.ا. در این که سران رژیم قادر به حل این مشکل عظیم نخواهند بود، جای کوچکترین تردیدی نیست. اقتصاد کشور هرچه بیشتر در منجلاب بحران فرو خواهد رفت. گرانی سیر صعودی خواهد داشت، کمبود مایحتاج عمومی در مقیاس وسیع تری جلوه خواهد کرد، بیکاری روبه افزایش خواهد گذارد و بالاخره فقر و مسکنت و فساد جامعه را فرا خواهد گرفت.

با این نظر موافقیم. ولی عدم تمرکز سازمانی بهترین و مطمئن ترین راه برای جلوگیری از خطر دست اندازی ارکان های جاسوسی رژیم به مجموعه سازمان حزبی است. کمیته مرکزی در اتخاذ این تصمیم، قبل از هر چیز تا مین امنیت اعضا هسته ها را در نظر گرفته است. تجربه صحت این تصمیم را به ثبوت رسانده است.

کمیته مرکزی حزب از کلیه هسته ها می خواهد تا اصول و موازین پنهانکاری را با احساس مسئولیت هرچه بیشتر مراعات کنند. اطلاع هر فرد از مسائل مشخص سازمانی تا آنجا جایز است که برای اتخاذ تصمیم حزبی ضرورت دارد.

هسته های حزبی باید در انجام وظایفی که ارکان مرکزی حزب تعیین می کند، فعالانه شرکت جویند. داشتن برنامه کار به فراخور

## پیرامون برخی مسایل سمتگیری سوسیالیستی

سمتگیری سوسیالیستی "راه سوم" رشد اجتماعی - اقتصادی نیست، بلکه راه گذار به سوسیالیسم برای آن گروه از کشورهای رشدیابنده است که یا در مرحله ما قبل سرمایه‌داری قرار دارند و یا مناسبات تولید سرمایه‌داری در آنها پیشرفته، اما مناسبات ما قبل سرمایه‌داری هم بطور کامل ریشه کن نشده است.

اگر سمتگیری سوسیالیستی برای کشورهای گروه نخست به معنی جهش از مرحله سرمایه‌داری است، برای کشورهای گروه دوم به معنی قطع رشد مناسبات سرمایه‌داری است. در هر دو حالت سمتگیری سوسیالیستی طریق گذار به سوسیالیسم با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی - سیاسی و ساختار طبقاتی، بشمار می‌رود. تجربه کشورهای که سمتگیری سوسیالیستی را اتخاذ کرده اند، گویای این واقعیت است.

زندگی واقعی، چنانکه لنین بارها تأکید کرده، بغرنجتر از کامل ترین طرح هاست. تجربه کشورهای با سمتگیری سوسیالیستی در دو دهه اخیر مسائل تئوریک و عملی زیادی را مطرح ساخته که بررسی برخی جوانب آنها برای درک مضمون سمتگیری سوسیالیستی ضرورت دارد.

در کشورهایی که سمتگیری سوسیالیستی را اتخاذ کرده اند، دمکرات های انقلابی حاکمیت را بدست دارند. دمکراسی انقلابی، بدون تردید یکی از فعال ترین و پرنفوذترین نیروهای سیاسی مترقی جنبش های رهایی بخش ملی معاصر است. دمکرات های انقلابی به کدام گروه اجتماعی اطلاق می‌شود؟ لنین می‌گفت دمکرات بودن به معنی آن است که در عمل منافع اکثریت خلق را در نظر گرفت، نه مصالح اقلیت را. انقلابی بودن، یعنی در هم شکستن قاطعانه و بی‌رحمانه هر آنچه مضر است و دوران آنها سپری شده است (لنین، مجموعه آثار، جلد ۲۴، ص ۱۶۶).

اما این هنوز تصویری روشن از دمکراسی انقلابی بدست نمی‌دهد. برای درک عمیق آن باید مواضع طبقاتی را نیز در نظر گرفت. لنین به موقع خود از دمکرات های انقلابی بورژوازی، خرده بورژوازی و پرولتری سخن می‌گفت (همانجا، جلد ۲۲، ص ۱۲۸).

بنابراین سخن بر سر دمکرات های انقلابی بطور کلی نیست، بلکه باید دمکرات های انقلابی بورژوازی، خرده بورژوازی (از آنجمله دهفانی) و پرولتری را تشخیص داد. ترکیب اجتماعی گسترده دمکراسی انقلابی، خصلت جهان بینی جنبش را در این یا آن کشور تعیین می‌کند. تکیه روی مواضع طبقاتی از آن لحاظ حائز اهمیت است که دمکراسی انقلابی یکدست نیست و دارای جناح های گوناگون است. در حالی که جناح چپ دمکراسی انقلابی که در راه تحول پیگیر و بنیادی اجتماعی مبارزه می‌کند، پیروی از سوسیالیسم علمی را اعلام می‌دارد و گام های عملی در راستای نزدیکی با احزاب کمونیست

(آنجا که چنین احزابی وجود دارند) و نیز گسترش پیوندهای وسیع بین المللی با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری برمی‌دارد، بخشی از گروه بندی های راستگرا، عملاً همچنان از نظریه "سوسیالیسم ملی" پیروی می‌کنند و مواضع آنها از بسیاری جهات با مواضع بورژوازی مخوانی دارد.

میان جناح های چپ و راست دمکراسی انقلابی، جناح "میان رو" قرارداد که نمایندگان آن می‌خواهند هم از جناح چپ و هم از جناح راست کنار بمانند و برای پیشرفت اجتماعی راه ویژه خود را می‌جویند.

روند تجزیه در صفوف دمکراسی انقلابی که بنیاد منطقی و قانونمند رشد انقلاب های ملی و دمکراتیک و تشدید مبارزه طبقاتی است، از ویژگی های سال های ۷۰ و آغاز سال های ۸۰ میلادی بشمار می‌رود.

سمتگیری سوسیالیستی دارای قانونمندی هایی است که نباید آنها را نادیده گرفت. نادیده گرفتن این قانونمندی ها، چنان که تجربه سال های ۶۰ میلادی نشان داد، فرجامی تلخ دارد و چیزی جز شکست ببار نمی‌آورد.

دمکرات های انقلابی چپ از درون دمکرات های ملی در جریان انقلاب های ملی و دمکراتیک بیرون می‌آیند. این انقلاب ها در واقع چیزی جز انقلاب رهایی بخش ملی و دمکراتیک نیستند. رهبری انقلاب های ملی و دمکراتیک دوران ما را معمولاً جنبه متشکل از کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی شهری و روشنفکران مترقی به عهده می‌گیرند. مشکلات معاصر در این یا آن کشور رشدیابنده در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز در عرصه مناسبات ملی بسیار پیچیده و بغرنج است که باید با در نظر گرفتن ویژگی های هر یک از آنها حل و فصل گردد. تجربه نشان می‌دهد که موفقیت انقلاب ملی و دمکراتیک در بر طرف ساختن آنها با تشریک مساعی هرچه بیشتر نیروهای خلق ارتباط مستقیم دارد. بسیج توده ها و بالا بردن سطح آگاهی و درجه تشکل آنها از طریق جنبه واحد، می‌تواند در ساختار سیاسی جامعه موثر افتد و توده ها را به انجام وظایف ملی و دمکراتیک رهنمون گردد.

دمکراسی ملی، محصول مبارزه ضد امپریالیستی و تحقق آماج های دمکراتیک عام است. انقلابیون ملی معمولاً زیر پرچم یک رهبر سیاسی متشکل می‌شوند. تجربه سال های ۶۰ میلادی نشانگر آن است که دمکرات های ملی، همزبانی هیچ یک از گروه های اجتماعی شرکت کننده در جنبه را در کار پایه خود مطرح نکردند. هدف آنها عبارت بود از مبارزه در راه استقلال واقعی، پیکار علیه امپریالیسم و متحدین آن، یعنی بورژوازی کمپرادور و مالکان بزرگ.

در آن ایام گسترش جنبش های سیاسی و اقتصادی توده های زحمتکش به استثمارگران امکان دستیابی به حاکمیت انحصاری، برای

مسدود کردن راه تحولات اجتماعی را نداد. خرده بورژوازی با استفاده از این باصطلاح خلاء به مثابه یک نیروی سیاسی مستقل وارد عرصه مبارزه شد و رهبری انقلاب ملی و دمکراتیک را به دست گرفت. بعدها جناح چپ دمکراسی انقلابی در درون جنبه واحد شکل گرفت و بخش مهمی از رهبران و توده های حامی آنان به مواضع طبقاتی روی آوردند.

این روندی بود قانونمند. اینکه در دوران ما، یعنی دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، انقلاب های ملی و دمکراتیک نمی‌توانند فقط به تحقق آماج های عام دمکراتیک بسنده کنند، تردیدی نیست. مسئله تداوم انقلاب از طریق اتخاذ سمتگیری سوسیالیستی برای گذار به سوسیالیسم نیز از این اصل نشات می‌گیرد. سمتگیری سوسیالیستی که پس از انقلاب ملی و دمکراتیک در برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی در پیش گرفته شد در واقع عبارت بود از "پله دوم" انقلاب در مقایسه با انقلاب رهایی بخش ملی. بدیهی است که در این مرحله، اتحاد همه خلق به مثابه نیروی محرکه انقلاب اثربخشی خود را از دست می‌دهد. زیرا از دیدگاه طبقاتی "خلق" یک مفهوم واحد نیست، بلکه مفهومی ناهمگون، مرکب از طبقات است که در درون آن مبارزه طبقاتی جریان دارد. بنابراین موفقیت سمتگیری سوسیالیستی با مبارزه طبقاتی حاد و تشدید گروه بندی و آرایش نیروها هم در صفوف جنبه و هم خارج از آن، به سود پیروان سوسیالیسم علمی و تامین رهبری طبقه کارگر، پیوند دارد. پراتیک سیاسی سال های اخیر نشان می‌دهد که جناح چپ دمکراسی انقلابی حاکم غیرپرولتری، ناگزیر تئوری سوسیالیسم علمی را پذیرا می‌شود.

از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که اعلام پیروی از تئوری سوسیالیسم علمی و اصول انترناسیونالیسم پرولتری و گسترش پیوند با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، پیش شرط پیروزی سمتگیری سوسیالیستی و گذار به سوسیالیسم است.

بدیهی است که این روند، روند بغرنجی است و عوامل عدیده ای را باید مد نظر قرارداد که از جمله آنها می‌توان از ویژگی های رشد اجتماعی - اقتصادی و سیاسی هر کشور، مبارزه طبقاتی، سطح ایدئولوژیک و آگاهی توده ای و نیز وضع کشورهای دارای سمتگیری سوسیالیستی در منطقه و در سطح جهان و مسئله مناسبات آنها با کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی نام برد که در مجموعه خود روند متضاد و دیالکتیکی دارند.

این تضاد در درجه اول بر بستر سطح پایین رشد فرهنگی، آگاهی سیاسی لایه های گسترده مردم زحمتکش و نیز شکل نیرومندی از تاثیر پذیری از اشکال واپس مانده ایدئولوژی های ملت گرایی تنگ نظرانه، مذهبی، عشیره ای و... شکل می‌گیرد. وجود پرولتاریایی که خود را به عنوان طبقه درک کند و همچنین لایه هایی از دید سیاسی پخته دهقانان، از جمله عوامل تعیین کننده در سمتگیری سوسیالیستی است.

## شادباش \*\*\*

شکست ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری موفق شد مسائل بفرنج و پیچیده ساختمان سوسیالیسم را بطور منظم حل کند و به مرحله سوسیالیسم پیشرفته گام گذارد.

در شرایط کنونی ما در دنیایی زندگی می کنیم که مورد تهدید یک جنگ سهناک هسته ایست، این جنگ، اگر روی دهد، مجموعه تمدن بشری را نابود خواهد کرد و چه بسا شعله حیات را در سیاره خاموش سازد. در چنین شرایطی، حفظ صلح و رفع خطر جنگ مهمترین وظیفه ایست که در برابر مردم ترقیخواه جهان قرار دارد. در مبارزه بزرگ برای صلح که حزب کمونیست اتحاد شوروی پرچمدار آن است، حزب شما فعالیت چشمگیری دارد. ما اعتقاد کامل داریم که کنکره کنونی، گام های تازه ای در راه تشدید مبارزه برای صلح بر خواهد داشت. این مبارزه ایست در عین حال بخاطر تحکیم بیش از پیش پایه های سوسیالیسم. زیرا صلح و سوسیالیسم دو روی یک سکه و از یکدیگر جدایی ناپذیر هستند. ما در تمام عرصه ها برای حزب شما پیروزی و کامیابی آرزو می کنیم.

با درودهای کمونیستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

## تجاوز نظامی آمریکا

است.

تمرکز ۴۰ ناو جنگی و از آن جمله سرناو هواپیما بر با ۲۷۰ جت جنگنده و بیش از ۱۸ هزار نفر تکنسین دریایی در آب های سرحدی لیبی و تجاوز آشکار نظامی به این کشور، نمونه بارز سیاست تروریسم دولتی ایالات متحده آمریکا در سطح بین المللی است.

## کشف پناهگاه اسکلت در نزدیکی "صیدا"

بالغ بر پناهگاه اسکلت انسانی در غاری نزدیک صیدا واقع در جنوب لبنان کشف شد. پلیس لبنان می گوید: این اسکلت ها احتمالا متعلق به فلسطینی هایی است که در یکی از مراکز بازجویی ارتش اسرائیل به قتل رسیده اند. محل یاد شده پس از یورش وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان (در سال ۱۹۷۲) به تصرف نیروهای اسرائیلی و مزدوران ارتش جنوب لبنان درآمده بود.

سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و علمی - فنی برای گذار به سوسیالیسم است.

تحولات بنیادی اجتماعی در ستمگری سوسیالیستی دارای خصلت عمیقاً دمکراتیک هستند و به همین دلیل می توان گفت که موفقیت ستمگری سوسیالیستی فقط در صورت رهبری و سازمانی که اصول سوسیالیسم علمی و تجربه تاریخی - جهانی آن را پذیرا باشد، امکان پذیر است. برنامه تحولات بنیادی مورد نظر ستمگری سوسیالیستی در صورت استمرار و تداوم در تحقق آن با اتخاذ سیاست حساب شده دقیق می تواند دورنمای فرارویی مرحله ملی و دمکراتیک انقلاب را به مرحله سوسیالیستی تامین کند.

آنها را در مقابل احزاب کمونیستی و کارگری خود قرار دهند و میان آنها با - کشورهای سوسیالیستی تفرقه ایجاد کنند. امپریالیسم و ارتجاع برای دستیابی به این هدف از دمکرات های انقلابی راست کرا و میانه رو استفاده می کنند.

اما، فشار سیاسی از "چپ" بیش از همه از سوی بخشی از لایه های متوسط چپ رو که اسیر ناشکیبایی انقلابی هستند و به تدریج و ماچراجویی تمایل دارند و نیز از سوی قشرهای "پایین" شهرها، به ویژه لایه های تهدیدست و "بی طبقه" صورت می گیرد. این نیروها در مجموع بخش بزرگی از جمعیت شهرها را تشکیل می دهند و غالباً بر افکار عمومی و حتی روند شکل گیری سیاست دولتی تاثیر می گذارند.

در روند انقلابی، گرایش های چپ روانه خرده بورژوازی که به منظور اجرای دگرگونی هایی که پیش شرط های آن هنوز فراهم نمانده و جهش از مراحل ضروری تحول اجتماعی، برای نیروهای انقلابی خطر جدی دارد. بسیاری از اشتباهات چپ روانه ای که کشورهای دارای ستمگری سوسیالیستی مرتکب شده اند، در این گرایش ها ریشه دارد.

ایدئولوژی حزبی، تنها رساله تئوریک نیست، بلکه پیکای علمی برای حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حال و آینده است. هم شتابزدگی در پیشروی و هم تعطل در آن، هر دو اثر بخشی ایدئولوژی را بر توده ها از بین می برد و نیروهای انقلابی را از حمایت و همبستگی توده ها که اهمیت حیاتی دارد، محروم می سازد.

بعضاً، وزن مخصوص بخش دولتی را در این یا آن کشور رشدیابنده معیار ستمگری سوسیالیستی معرفی می کنند. چنین برخوردی از مارکسیسم - لنینیسم بدور است. در ستمگری سوسیالیستی ماهیت حاکمیت سیاسی نقش تعیین کننده دارد. تغییر خصلت طبقاتی حاکمیت سیاسی به معنی از بین بردن کامل حاکمیت سیاسی بورژوازی و بزرگ مالکی و گذار حاکمیت یا بدست حزب طبقه کارگر و یا جبهه واحد نیروهای انقلابی که شرکت کنندگانش تئوری سوسیالیسم علمی و احکام مربوط به مبارزه طبقاتی را پذیرا باشند، یکی از شرایط عمده ستمگری سوسیالیستی است. در این صورت حکومت نوین انقلابی و دستگاه جدید دولتی بوجود می آید که در آن کارگران و دهقانان تهدیدست نقش مهمی ایفاء خواهند کرد. در چنین شرایطی است که بخش دولتی خصلت دمکراتیک بخود می گیرد و نه در جهت منافع صاحبان ثروت، بلکه در سمت تامین منافع توده های محروم جامعه عمل می کند. درست به همین سبب است که در ستمگری سوسیالیستی به گسترش هرچه بیشتر بخش دولتی و بخش تعاونی در عین تحدید تدریجی حیطه عملکرد بخش خصوصی، اهمیت خاص داده می شود. در این مرحله، مبارزه آشتی ناپذیر علیه ایدئولوژی سرمایه داری، نواستعماری و ناسیونال - رفرمیسم در دستور روز قرار می گیرد. هدف ستمگری سوسیالیستی عبارت از ایجاد شرایط دولتی -

برای همه پیروان سوسیالیسم علمی روشن است که در میان طبقات و گروه های اجتماعی معاصر، طبقه کارگر یگانه طبقه ای است که منافع حیاتی وی، او را به نیروی انقلابی پیشرو تبدیل می کند. شرط اساسی در این زمینه تبدیل پرولتاریا از "طبقه در خود" به "طبقه برای خود" است.

در جوامع کشورهای رشدیابنده، دمکراسی خرده بورژوازی و پرولتاریا تاثیر متقابل بر یکدیگر می گذارند. تجربه نشان می دهد که معمولاً دمکراسی خرده بورژوازی در صحنه سیاسی در برخی از این کشورها مانند نیروی اجتماعی رادیکال عمل می کند. حال آن که پرولتاریا به علت عدم تشکل هم در سندیکاها و هم در صفوف حزب طبقه کارگر، نمی تواند نقش پیشرو را ایفا کند. در رویارویی دمکراسی خرده بورژوازی و پرولتاریا، پیروزی در آخرین تحلیل از آن پرولتاریاست. دمکراسی خرده بورژوازی از لحاظ تاریخی دارای نقش گذراست.

در این مورد می توان به نمونه برخی از کشورهای عربی استناد کرد. در این کشورها دمکراسی خرده بورژوازی تجربه سیاسی قابل ملاحظه ای دارد، مدتهاست که برای خود پایگاه اجتماعی، از جمله میان طبقه کارگر بوجود آورده، احزاب سیاسی خود را ایجاد کرده، ایدئولوژی و دیدگاه های ویژه خود درباره ترقی اجتماعی را تدوین کرده و افزون بر این اهرم های نیرومند اقتصادی و گاه مالی را نیز در اختیار دارد.

در این کشورها دمکراسی خرده بورژوازی پس از وارد آوردن ضربه بر نیروی اقتصادی و نفوذ سیاسی بورژوازی ملی و زمینداران بزرگ، رقیب سیاسی خود را در سیمای دمکراسی پرولتری می بیند. درست است که هدف های دمکراسی خرده بورژوازی و پرولتری در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع، صلح و دگرگونی های عام دمکراتیک، صرف نظر از مواضع طبقاتی خاص، آنها را به هم نزدیک می کند، اما این امر در عین حال به مبارزه آنها برای نفوذ در میان توده ها می انجامد. در این میان دمکراسی خرده بورژوازی از برخی از آماج های برنامه ای و شعارهای مارکسیست - لنینیست بهره گیری می کند. اما موفقیت در اجرای این برنامه ها و شعارها وقتی امکان پذیر است که انقلابیون غیر پرولتری، دمکراتیسم خرده بورژوازی را کنار بگذارند و به مواضع سوسیالیسم علمی روی آورند و دوشادوش احزاب کمونیستی به مبارزه ادامه دهند.

دمکرات های انقلابی حاکم به ضرورت توجه به مراحل مبارزه راهی بخش معتقدند و برای آنها سوسیالیسم نه هدف نزدیک و مستقیم، بلکه نهایی است. به نظر آنها مرحله ملی و دمکراتیک انقلاب بلافاصله پس از دستیابی به حاکمیت پایان نمی یابد.

دمکرات های انقلابی حاکم در کشورهای دارای ستمگری سوسیالیستی از راست و "چپ" تحت فشارند. امپریالیسم و ارتجاع داخلی می کوشند

## «راه کارگر»...

نیروهای حاضر در این میدان نیز طیفی است رنگارنگ. در این میدان نه تنها امپریالیسم و ارتجاع از موضع ضدانقلابی، بلکه نیروهای دیگری هم هستند که از موضع به اصطلاح "انقلابی" برضد ما آتش می‌کشایند. این نیروها همواره چشم بر این حقیقت فرو بسته و فراموش می‌کنند که سینه چاک ترین توده‌ای ستیزان "انقلابی" و پایبند به "دمکراسی و سوسیالیسم"، خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه حداقل آب به آسیاب سیاه ترین نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی ریخته و می‌ریزند. البته ای چه بسا فردا باز "راه کارگر" مثل پاسخنما، اخیر خود بنویسد "حزب توده دشمنی آنان (امپریالیسم و ارتجاع) را علم می‌کند تا منتقدین کمونیست خود را از ترس منته شدن به همسویی با امپریالیسم و ارتجاع، به سکوت... وادارند".

نه! ما نمی‌خواهیم شما را به سکوت وادار کنیم، بلکه می‌خواهیم بدانید تاختن به حزب توده ایران دارای معنا و مفهوم معینی است. هیچ سکوت و هیچ خروشی بدون معنا نیست. ما هزاران بار این موضوع ساده را خطاب به توده‌ای ستیزان "انقلابی" گفته‌ایم که صف دوستان خلق را از صف دشمنان خلق جدا کنید. اکنون هم باز تاکید می‌کنیم که در آینده نیز، در صورت لزوم، هزاران بار دیگر آن را تکرار خواهیم کرد. زیرا از یک حقیقت زنده و مشخص اجتماعی-تاریخی سخن می‌گوییم.

واقعیت آنست که "راه کارگر" در پشت جلد و جنجال‌های ضدتوده‌ای خود که لعاب انقلابی هم دارد، در واقع می‌خواهد ضعف‌ها و پزیشان اندیشی‌ها و ناپیکیری‌های سیاسی-تئوریک خود را پنهان سازد. حال آنکه پیروان راستین سوسیالیسم علمی همواره باید دقیقاً ارزیابی کنند شرکت در کارزار توده‌ای ستیزی در نهایت بسود کدام نیروی سیاسی و طبقاتی تمام می‌شود.

"راه کارگر" که خود دشمنی امپریالیسم و ارتجاع با حزب توده ایران را می‌پذیرد با شرکت در کارزار توده‌ای ستیزی در واقع در عمل نیز باید بپذیرد که برضد یکی از پیکرترین گردان‌های انقلابی و ضد امپریالیست عمل می‌کند و حداقل علیه موعظه‌های خود پیرامون شعار "جبهه متحد کارگری" بیامی‌خیزد. به دیگر سخن علیه فتوای خود اعلام جهاد می‌کند. "راه کارگر" با گام برداشتن در این راه، خواه بخواهد یا نخواهد، در راستای دامن زدن به تفرقه‌گام برمی‌دارد و نباید از نظر دور داشت که بقول مارکس در جنبش انقلابی هر تفرقه‌ای ارتجاعی است.

حرف اصلی ما در اینجا نه تنها با "راه کارگر"، بلکه با تمام آن نیروهای سیاسی است که بنا به منافع و ماهیت طبقاتی و خصلت وجودی خود نباید در این میدان بدون افتخار توده‌ای ستیزی حضور یابند و در مسابقه‌ای پرهیاهو، ولی بدفرجام خوش بدرخشند. امثال "راه کارگر" ها بدنیست نظری تاریخی به سرنوشت تلخ

حاضران دپروزی در این "میدان مبارزه" پویا فکندند. چه احزاب و سازمانها و گروهک‌هایی که آمدند و چند صباحی باشعارهای سرخ و آتشگون ضدتوده‌ای جولان دادند و سپس برای همیشه از صحنه سیاسی اجتماع محو شدند.

افزون بر اینها، ما بنا به مسئولیت تاریخی که در قبال سرنوشت حال و آینده خلق ایران و طبقه کارگر در خود احساس می‌کنیم، همچنین بخاطر پرهیز از تبدیل ارگان خود به پاسخنما، با سکوت از کنار ساخته و پرداخته‌های امپریالیستی و ارتجاعی درباره حزبمان که "راه کارگر" نیز آنها را تکرار می‌کند، می‌گذریم و به اساسی ترین حلقه "استدلال" راه کارگر می‌پردازیم. زیرا اعتقاد داریم که درک حلقه اساسی بحث خود گره گشا و پاسخگوی پوچی و بی محتوا بودن دیگر استدلال‌های ضدتوده‌ای پاسخنما "راه کارگر" است.

و اما حلقه اساسی بحث، پیرامون ماهیت پرخورد امپریالیسم و ارتجاع با حزب ما و تکرار اتهام‌های "وابستگی" و "عدم استقلال" حزب توده ایران از زبان "راه کارگر" شکل می‌گیرد. چکیده سخن راه کارگر چنین است: امپریالیسم و ارتجاع برای بی اعتبار کردن کمونیسم در ایران، کمونیسم را با نام حزب توده ایران می‌کوبند و نه با نام "راه کارگر". "راه کارگر" ادعا می‌کند حزب توده ایران یک "نماد سیاسی" بیش نیست و "وحشت شاه و سردمداران جمهوری اسلامی و همچنین امپریالیسم از شوروی است...".

برای روشن شدن ماهیت چنین یافته‌های فکری که بوی ناوکیک زدگی از آنها به مشام می‌رسد، باید گفت: حضرات اگر می‌بینید هیچ یک از نیروهایی که خود را پیرو سوسیالیسم علمی می‌دانند همانند حزب توده ایران آماج کینه‌توزانه ترین حملات امپریالیسم و ارتجاع قرار نمی‌گیرند، نه بخاطر نام، بلکه بخاطر خصلت و ماهیت طبقاتی آن، پایبندی اصولی و درنگ ناپذیرش به اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم، پاسداری پیکرانه از مواضع انترناسیونالیسم پرولتری و وحدت اراده و عمل آنست.

با اطمینان و به دور از هرگونه خودمحموربینی می‌گوییم و به آن اعتقاد داریم که هر نیرویی که در گفتار و در کردار، در تئوری و در پراتیک انقلابی به مواضع اصولی و انقلابی حزب ما برسد بدون هیچ گونه تردید باید خود را از هر جهت آماده کند تا همانند حزب ما هدف حملات امپریالیسم و ارتجاع قرار گیرد. باید بلافاصله چشم انتظار خوردن برچسب "وابستگی" و "دست نشاندگی" باشد. این حکم عام و قانونمندیست. سرمایه در برابر کار متحد عمل می‌کند و هر جلوه‌ای از آگاهی و همبستگی جهانی - طبقاتی اردوی کار را هدف قرار می‌دهد. دشمنی و کینه‌توزی و خونخواهی امپریالیسم و ارتجاع ریشه عمیقاً طبقاتی دارد. یعنی امپریالیسم و ارتجاع هرگز بدون دلیل با نیرویی از سر ستیز درنی‌آیند و درنی‌آویزند و بدون دلیل با نیرویی دیگر کنار نی‌آیند و درنی‌آمیزند. از این روست

که امپریالیسم و ارتجاع جنبش کارگری و کمونیستی را در کل و در سطح جهان و هریک از احزاب و عناصر شرکت کننده در آن راه، در سطح یک کشور، زیر آتش حملات خود می‌گیرند. ولی در همان حال در اجاق مائویسم و تروتسکیسم و دیگر جریان‌های انحرافی و دشمنان مارکسیسم - لنینیسم میزم خشک می‌گذارند تا شراره‌های دشمنی با جنبش کارگری و کمونیستی را فروزانتر سازند. بدینسان، بر بنیان حقایق پیشگفته می‌توان به علل دشمنی خونین امپریالیسم و ارتجاع با حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پی برد.

صریح و روشن سخن می‌گوییم: اگر امپریالیسم و ارتجاع همواره از حزب توده ایران بگونه‌ای مرگبار هراس داشته است، بخاطر آنست که در سیمای حزب توده ایران، دشمن آشتی ناپذیر خود را می‌بیند؛ بخاطر آنست که ما به یکپارچگی اندیشه و عمل انقلابی کمونیست‌ها در مقیاس جهانی ایمان داریم و هرگز به انترناسیونالیسم پرولتری پشت نکرده و نخواهیم کرد؛ بخاطر آنست که ما مفهوم دوران و نقش سوسیالیسم واقعاً موجود، ماهیت روند واحد انقلابی جهانی و سرشت نیروبخش همبستگی نیروهای مترقی و آزادیخواه و صلحدوست را عمیقاً درک می‌کنیم؛ بخاطر آنست که هیچ نیرویی تا کنون نتوانسته و نخواهد توانست ما را به مواضع دلخواه امپریالیسم و ارتجاع یعنی پرچم "کمونیسم مستقل" یا "کمونیسم ضد شوروی" یعنی مواضعی که در عمل جز ضد کمونیسم نیست، بکشاند؛ بخاطر آنست که ما نیک آگاهیم بریدن از جنبش جهانی کمونیستی، زیر پا گذاردن همبستگی جهانی زحمتکشان، رویارویی آشکار و پنهان با نیروی عمده انقلاب و تکیه گاه اصلی صلح و ترقی یعنی اتحاد شوروی، در عمل به معنای روغن ریختن در چراغ روبه خاموشی دشمنان خلقها و طبقه کارگر جهانی است.

"راه کارگر" نمی‌خواهد، صریحتر بگوییم آن شجاعت انقلابی را از خود نشان نمی‌دهد که با چشم‌های باز به معیارها و ارزش‌های نوینی که در آورده‌گاه جهانی، بعد از انقلاب کبیر اکتبر شکل گرفته است، بنگرد. آرایش نیروهای انقلاب و ضدانقلاب در سطح جهان روشن‌تر از آنست که نیازی به اقامه دلیل داشته باشد: در یک سو امپریالیسم و ارتجاع و در سوی دیگر نیروهای صلح و سوسیالیسم و ترقی اجتماعی جبهه آرایی کرده‌اند. بر این بنیان نمی‌توان واقعاً پیرو سوسیالیسم علمی بود و در راه منافع طبقه کارگر مبارزه کرد، ولی به متحدان جهانی طبقه کارگر، به بزرگترین بار و پشتیبان آن یعنی سوسیالیسم واقعاً موجود پشت کرد و نمی‌توان با دشمنان آشتی ناپذیر امپریالیسم و ارتجاع در یک جبهه قرار گرفت و آنگاه انتظار برچسب "وابستگی" و "عدم استقلال" و "نماد سیاسی" را نداشت.

در صحنه سیاسی جامعه ایران نیز در طی دوران موجودیت حزب توده ایران معیارها و ارزش‌های نوینی شکل گرفته است که هیچ نیروی انقلابی صادق نباید آنها را از نظر دور دارد. مثلاً

## به مامی نویسند

تظاهرات دانش آموزان در ۱۸ بهمن

بیش از هفت الی هشت هزار دانش آموز روز هجدهم بهمن در محوطه اطراف پارک لاله دست به تظاهرات زدند. این دانش آموزان پس از برگزاری مسابقه دو، هنگام دادن جوایز به نورچشمی ها و "حزب الهی ها"، با شعارهای "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر پاسدار" به راه افتادند، مراسم دادن جایزه را به هم زدند، چادرهای اطراف پارک را که محل استقرار نمایشگاه ژاندارمری بود به هم ریختند و پلاکاردها و پوستره‌های ج.ا. در پارک را پاره کردند. پاسدارها و کمیته جی ها با ترس و لرزه به مقابله با دانش آموزان پرداختند و تعدادی از آنها را در محوطه پارک دستگیر کردند. وسعت تظاهرات بسیار چشمگیر بود.

### اخراج کارگران در خوزستان

- اخراج کارگران در خوزستان کماکان ادامه دارد. ۱۴۵ نفر از کارگران رسمی و غیر رسمی تعمیرگاه استانداری خوزستان در امانیه، به بهانه کمبود بودجه اخراج شدند.

- اخراج ۱۵۰ نفر از کارکنان پلاستیک صنایع فولاد مبارکه قطعی شد.

- هفت نفر از کارگران کارخانه سیمان بهبهان به دلیل خودداری از رفتن به جبهه از کار اخراج شدند. آنان در نامه‌ای که به فرماندار بهبهان نوشتند خواستار رسیدگی به اخراج غیرقانونی خویش گردیدند.

### برخورد تماشاگران فوتبال و ماموران رژیم

در مسابقه فوتبالی که بین تیم های فوتبال خوزستان و تهران (ب) در اهواز برگزار شد بین ۴۰ تا ۴۵ هزار نفر تماشاگر شرکت کردند. آنها که پیش از شروع مسابقه در مقابل درهای ورودی استادیوم اجتماع کرده بودند، علیرغم تیراندازی هوایی ماموران شهربانی و کمیته جی ها که می‌خواستند مانع ورودشان شوند، هجوم آوردند و وارد استادیوم شدند. پس از اتمام بازی دو نفر تماشاگر که دچار هیجان شده بودند از حصار دور زمین بازی عبور کردند و به سمت بازیگران دویدند. ماموران آنها را به باد کتک گرفتند. این مسئله موجب خشم تماشاگران شد و از اطراف جایگاه پاریدن سنگ و چوب بر سر ماموران آغاز گردید. تماشاگران با خواباندن حصارهای دور زمین به سمت ماموران هجوم بردند و قصد درگیری با آنها را داشتند. ماموران در وسط زمین اجتماع کردند و با تیراندازی هوایی که یک ربع ساعت ادامه داشت توانستند خود را از مهلکه برهانند. همچنین در مسابقه دیگری که بین تیم های خوزستان و تهران (الف) برگزار شد هنگامی که اطلاعیه "کمیته انقلاب اسلامی خوزستان" خوانده می‌شد "هو" کردند و علیه کمیته ها و مسئولان رژیم شعار دادند.

گردد: "مشکل بهداشت و درمان قویا مطرح است، مادر و واحدی که پا می گذاریم اولین کله آنها عدم بهداشت و درمان است."

هم اکنون حق بیمه ۷٪ حقوق ناچیز کارگران محروم را می بلعد اما در مقابل از خدمات تامین اجتماعی خبری نیست.

چنین است رؤس عمده ترین و حادثترین مشکلاتی که در شرایط موجود طبقه کارگر ایران را احاطه کرده است. در کنار این معضلات اساسی، هزاران مشکل ریز و درشت دیگر کارگران میهن مار را رنج می دهد و اعتراض آنان را برمی انگیزد.

اینک مدت هاست که طبقه کارگر وطن ما دیوارهای سکوت را درهم شکسته است و برای دستیابی به مطالبات حیاتی خود پا به میدان گزدارده است. وجود ده ها اعتصاب و صدها نمونه کم کاری با شعار افزایش دستمزد، پایان دادن به اخراج کارگران و رسیدگی به وضع مسکن و درمان، نمود بارز این امر است.

باید توجه داشت که مطالبات کارگران نباید در چارچوب خواست های اقتصادی که خود دارای اهمیت زیادی است محصور بماند، مشکلات صنفی کارگران زمانی بطور واقعی حل خواهد شد که حکومت کارگرتیز ج.ا. سرنگون شود.

اینجاست که وظیفه سنگینی بر عهده فعالان جنبش کارگری است. کارگران آگاه و مبارز باید با تشکیل هسته های مخفی، خواست های اقتصادی را به تخته پرشی برای طرح خواست های سیاسی تبدیل کنند و مبارزه کارگران را در مجرای هرچه بیشتر سیاسی تیز شدن مبارزه سوق دهند.

رمز پیروزی طبقه کارگر ایران در تلفیق منطقی مبارزات سیاسی و صنفی آن تحت هدایت هسته های مخفی کارگری و اتحاد سراسری و تنگاتنگ همه زحمتکشان است.

\*\*\*

بیشتر در ورطه توده ای ستیزی بر حذر می کنیم و آنها را به مبارزه متحد علیه امپریالیسم و ارتجاع فرامی خوانیم. اگر امروز فراخوان به اتحاد را با شما نیز مطرح می کنیم، امیدواریم با آگاهی و مسئولیت با آن برخورد کنید. ولی چنانچه این فراخوان حزب توده ایران را حمل بر ضعف و ناتوانی ما و قدرت و توانمندی خود کنید، باید گفت عین بی مسئولیتی در برخورد و برداشت و عین عدم درک ضرورت لحظه و نشاختن منافع خلق و انقلاب و طبقه کارگر را به تماشا گذاره اید.

با گذشتن هر روز بحرانی که سرپای رژیم "ولایت فقیه" را مثل خوره می خورد، بازم ژرفتر می گردد. کارد بر استخوان مردم نشسته است، محمل ها و شرایط عینی تحول و دگرگونی انقلابی در جامعه مدتهاست فراهم گردیده و آنچه در این بین می تواند باعث سقط چنین جنبش و پیوش مردم شود، همانا بهره برداری ارتجاع و امپریالیسم از تفرقه نیروهای سیاسی و فراهم نکردن شرایط ذهنی است.

## کارگران در چنگال فقر

از بیکازی رنج می برد.

وجود ارتش عظیم بیکاران که در پی لقمه نانی به این در و آن در می زنند و برای سیرکردن شکم و بچه خود حاضرند تن به هزکاری بدهند، موجب کاهش فزاینده ارزش نیروی کار و دستمزدها شده است. آنچنان کمبیکره های رسمی نشان می دهند شاخص مزد و حقوق سرانه واقعی کارکنان کارگاه های بزرگ صنعتی در سال های ۵۹، ۶۰، ۶۱، نسبت به قیمت پایه سال ۵۸، به ترتیب ۶، ۱۷ و ۲۵ درصد کاهش یافته است.

روشن است که از فاصله سال ۶۱ تا به امروز، آهنگ کاهش حقوق زحمتکشان - در نتیجه گسترده گی اخراج ها - شتاب بیشتری یافته است. با در نظر داشت آن که مجموع هزینه ماهانه یک خانوار شهری در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱، ۲۰٪ و در سال ۶۳ نسبت به سال ۶۲، ۱۱/۵٪ رشد داشته و نیز با در نظر گرفتن کاهش دستمزدها از سویی و دیرکرد در پرداخت آنها از سوی دیگر، می توان علل واقعی از هم پاشیده شدن شپرازه زندگی بسیاری از خانواده های کارگری را دریافت.

مشکل مهم دیگر کارگران مشکل مسکن است. به اعتراف "نماینده" ایذه و عضو کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس هنوز کارگرانی وجود دارند که "با داشتن ۲۰ سال سابقه خدمت در صنعت فاقد مسکن هستند و یا توان مالی مساعدی ندارند که مسکن تهیه کنند و در فلاکت بسر می برند".

مقام های مسئول خود معترفند که دوسوم کارگران ایران فاقد مسکن شخصی اند و گاه تا ۷۰٪ درآمد ناچیز خود را به عنوان کرایه خانه می پردازند.

وضع ناهنجار بهداشت و درمان و بیمه های اجتماعی کارگران نیز در ردیف مهمترین مشکلات آنان قرار دارد. وزیر کار رژیم در این مورد می

نمی توان مانند "راه کارگر" از نظر تئوریک با مائویسم مرزبندی کرد و در سطح جهان اردوگاه سوسیالیسم را متحد اصلی طبقه کارگر معرفی کرد و نوشت که "جنبش کمونیستی در شرایط امروز جهان تنها حول اردوگاه سوسیالیسم واقعیت دارد نه در ضدیت با آن و جریان هایی که در ضدیت با اردوگاه سوسیالیست حرکت می کنند، دانسته یا ندانسته جنبش کمونیستی را تضعیف می کند" (انترناسیونالیسم پرولتری ... ص ۴۵) ولی در عرصه داخلی به حزب توده ایران بخاطر مواضع استوار و خلل ناپذیر میهن دوستانه و انترناسیونالیستی اش ناسزا گفت و اتهام و برچسب زد. پذیرش انترناسیونالیسم در حرف و در عمل راه فحاشی به حزب توده ایران را در پیش گرفتن، معنایی جز سردرگمی و ناپیکبری سیاسی - ایدئولوژیک و تاثیرپذیری از بیماری خرده بورژوازی "کمونیسم مستقل" ندارد.

پیش از آنکه سخن خود را به پایان ببریم باریکتر "راه کارگر" را از در غلطیدن هرچه

## نگاهی به رویدادهای جهان

### مردم جهان تجاوز نظامی آمریکا به لیبی را محکوم می کنند

تجاوز نظامی آمریکا به لیبی در مقابل عکس العمل قانونی نیروهای پدافند لیبی به تجاوز جت های جنگنده ایالات متحده آمریکا به حریم هوایی آن کشور، خشم و نفرت نیروهای صلحدوست جهان را برانگیخته است. اکثر دولت های جهان سیاست ماجراجویانه و تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا را در این منطقه که به وخامت وضع بین المللی کمک می کند، شدیداً محکوم می کنند.

تجاوز اخیر امپریالیسم آمریکا به لیبی تصادفی نیست. در سالهای اخیر دولت ریگان برای سرنگون کردن نظام حاکم بر این کشور انواع حربه ها را، از تحریم اقتصادی گرفته تا تهدید نظامی و دیگر توطئه ها بکار می گیرد.

در ماه مه ۱۹۸۱، واشنگتن مناسبات دیپلماتیک با لیبی را متوقف ساخت و در دسامبر همانسال دستور خروج آمریکایی های ساکن این کشور را صادر کرد. سپس در ماه مارس ۱۹۸۲ واردات نفت خام از لیبی به ایالات متحده آمریکا قذغن شد. در دسامبر ۱۹۸۲، دولت ریگان صدور هرگونه تکنولوژی مورد نیاز پالایشگاه ها و صنایع پتروشیمی لیبی را ممنوع اعلام کرد و بالاخره در نوامبر سال ۱۹۸۵، ریگان فرمان داد که واردات فرآورده های نفتی از لیبی قطع شود.

به موازات این تدابیر فشار نظامی واشنگتن به لیبی نیز ادامه یافت. در ماه اوت ۱۹۸۱، ناوگان ششم آمریکا طی یک مانور ماجراجویانه دوجت جنگنده لیبی را سرنگون کردند. در اوایل سال ۱۹۸۲ جت های جنگنده آمریکا یک هواپیمای مسافربری لیبی را مورد حمله راهزانه هوایی قراردادند. طی مانورهای نظامی در خلیج "سیدرا" که سال به سال گسترش می یابد، هواپیماها و ناوگان نظامی آمریکا به مرزهای هوایی و دریایی لیبی بارها تجاوز کردند.

در نوامبر ۱۹۸۵ روزنامه "واشنگتن پست" نوشت که "سیا" و دیگر ارگان های جاسوسی آمریکا سندی کاملاً سری تهیه کرده اند و به موجب آن رئیس جمهوری اجازه "عملیات سری" علیه لیبی به قصد براندازی سرهنگ قذافی را، صادر کرده است.

چنین است مقدمه حوادثی که امروز در سواحل لیبی جریان دارد. مردم جهان شاهد کارزار بی سابقه یکی از بزرگترین کشورهای سرمایه داری علیه خلق کوچکی هستند که می خواهد خود سرنوشته خویش را تعیین کند. بهانه ریگان برای تجاوز به لیبی، عملیات تروریستی در فرودگاه های رم و وین در اوایل سال جاری میلادی است که اسرائیل متحد استراتژیک واشنگتن بلافاصله مسئولیت آن را به عهده لیبی گذاشت.

دولت ریگان که مقابله با "تروریسم" در

## رشد سازنده و متنوع سوسیالیسم

فرمان درباره صلح، آزادی خلق های اروپا از جنگال فاشیسم، نخستین پرواز به کیهان، استراتژی صلح مصوب بیست و هفتمین کنفره حزب کمونیست اتحاد شوروی - همه اینها مراحل مهمی است که نخستین دولت کارگران و دهقانان طی کرده است و امروز ما شاهد گویای سیاست خارجی پیگیر صلح چویانه اتحاد شوروی هستیم.

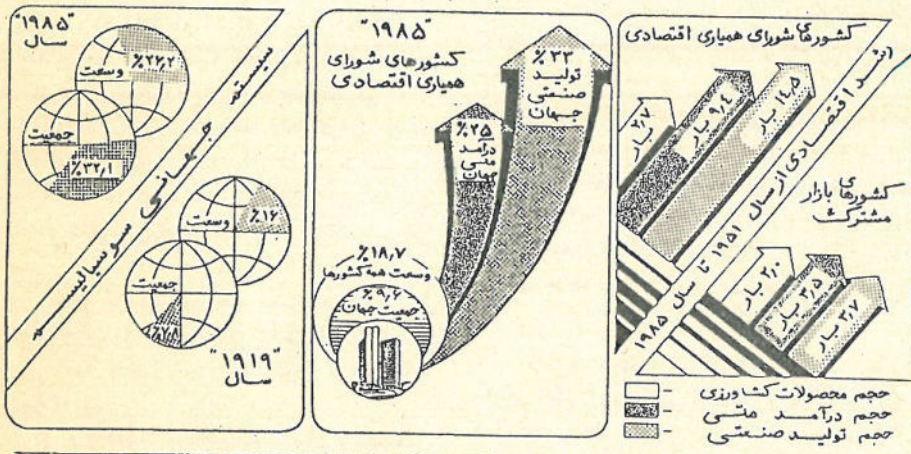
در عصر کنونی جامعه کشورهای سوسیالیستی آن نیروی با اقتداری است که بدون آن هیچ یک از مسائل سیاست جهانی قابل حل نیست. این تکیه گاه محکم صلح در روی زمین، پیگیرترین مدافع روابط سالم، صلح چویانه و دمکراتیک در مناسبات بین المللی و سد اساسی در برابر ارتجاع امپریالیستی است.

یویایی، رشد سازنده و متنوع جامعه از ویژگی های جهان سوسیالیسم است. خلق های جامعه کشورهای سوسیالیستی، نیروی عظیم و برتری نظام نوین و امکان های جهانشمولی را که در برابر بشریت می گشاید، در عمل نشان داده اند.

روند جهانی - تاریخی رهایی اجتماعی که با اکتگر کبیر آغاز شد، پس از درم کوبیده شدن فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن، به سرنگونی حاکمیت بهره کشان در برخی از کشورهای اروپا و آسیا و آمریکا منجر گردید. سوسیالیسم که نخست در اتحاد شوروی استقرار یافته بود، به سیستم جهانی تبدیل شد.

سوسیالیسم جهانی امروز عبارت است از یک تشکل بین المللی که بر اقتصاد بسیار رشد یافته، پایه نیرومند علمی و پتانسیل مطمئن نظامی - سیاسی تکیه دارد.

تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم، شکل گیری و تحکیم جامعه کشورهای سوسیالیستی به تغییر ریشه ای تناسب نیروها در عرصه بین المللی به سود خلق هایی که در راه پیشرفت اجتماعی، دمکراسی، رهایی ملی و صلح مبارزه می کنند، منجر گردیده است. جنگ، مسابقه تسلیحاتی و همه اشکال حرکت های ضد انسانی، با ماهیت جامعه نوین بیگانه است.



### نخستین شماره "مسایل بین المللی" در سال ۱۳۶۵ منتشر شد

کنونی کشور خودشان که شایهت بسیار با شرایط کنونی کشور ما دارد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده اند. همچنین در دو مقاله دیگر که از آنها نام برده شده است، استراتژی صلح حزب کمونیست اتحاد شوروی و شیوه های مبارزه طرفداران صلح در سراسر جهان با استناد به فاکت های دوران پس از جنگ جهانی دوم، تشریح شده است.

در این شماره توجه خوانندگان را بویژه به مقاله های "حزب لینن، حزب صلح است" به قلم هورست اشویت، "وحدت در مقابله با دیکتاتوری: راهها و اشکال مبارزه" به قلم کروالان و "درس های جنبش مقاومت میهنی لپنان" به قلم کریم مروه، همچنین مقاله "سال بین المللی صلح" جلب می کنیم.

**دنیا نشریه سیاسی و تئوریک**  
**کمیته مرکزی حزب توده ایران**  
 شماره ۲، منتشر شد.

رفقا لوئیس کروالان و کریم مروه راهها و اشکال مبارزه و دشواری های آن را در شرایط مقیاس جهانی را از وظایف خود می شمارد، عملاً سیاست تروریسم دولتی را در قبال دیگر کشورها در پیش گرفته است. جنگ های اعلام نشده در نیکاراگوئه و افغانستان، حمایت آشکار از تجاوز مستمر باندهای ضد انقلاب به آنکولا و موزامبیک، نشانگر آن است که تروریسم به سطح سیاست خارجی دولت آمریکا ارتقاء داده شده بقیه در ص ۵

NAMEH MARDOM  
 P.B. 49034  
 10028 Stockholm 49  
 Sweden  
 No; 96  
 3. April. 1986

**جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!**